

شریعت را استعمال کرد ولی در مقابل کلمات نامبرده
نمیشود کلمه قانون را استعمال نمود.

عبدالحمید غیائی

عبرانیه و شریعت اسلامی و غیر اینها و بنا باین تعریف
شریعت معادل است با کلمه (LOI) و با کلمه ناموس
و بالجمله بجای کلمه [IOI] و (ناموس) میشود کلمه

مسئولیت مدنی

میکند و آن اینست هیچکس بدیگری نباید خسارتی
وارد سازد پس اگر خسارتی وارد آورد باید آنرا
جبران نماید لیکن بشرط اینکه در ضمن عمل خود (عمل
مولد خسارت) مرتکب تقصیری شده باشد یا بعبارت دیگر
که ترجمه دقیق ماده نامبرده میباشد « هر عمل انسان
که بدیگری خسارتی وارد آورد کسی را که بغلت
تقصیر او این خسارت وارد آمده مجبور بمرمت آن
میسازد » بنابر این تقصیر و خطای شخص در هر عمل
برای اجبار او به جبران خسارت لازم میباشد.

قانون تقصیر را تعریف نکرده فقط ماده ۱۳۸۳
میکوید هر کسی مسئول خسارت وارده بدیگری می
باشد نه تنها برای تقصیری که نتیجه عمل اوست بلکه
برای تقصیری که در نتیجه سهل انگاری و غفلت نیز پیش
آمده باشد بدین طریق ماده نامبرده ضمناً تقصیر را تعریف
میکند عمل مثبت فقط تولید تقصیر نمیکند عمل منفی
یعنی ترك عمل نیز تقصیر شناخته میشود هر موقم شخص
مطابق وظیفه خود از حیث اقدامات لازم - محافظت ها -
احتیاط های واجب برای جاوگیری از وقوع حادثه و
آسیب نرساندن بسایرین عمل نکند تقصیر کار محسوب
می شود.

لیکن اقدامات و محافظت ها و احتیاطات لازم بسته
بهر موضوعی فرق میکنند برای اینکه يك حیوان شرور
باشخاص صدمه جانی وارد نسازد احتیاطات مخصوصی
لازم است و برای محافظت يك ماشین اقدامات دیگری
باید بعمل آورد بنابراین تقصیر را در هر مورد بادر نظر

موضوع مسئولیت یکی از فصول مهم حقوق مدنی
است در مقالاتی که در این خصوص خواهیم نگاشت
ابتدا در حقوق مدنی فرانسه مواد قانون و رویه قضائی
آن کشور بررسی کاملی نموده سپس از قانون مدنی
خودمان آنچه از مواد میتوان استنباط کرد و رویه قضائی
را تا حدی که وجود دارد خواهیم نوشت.

مسئولیت مدنی در قانون فرانسه

مسئولیت مدنی ممکن است در نتیجه اجرای عقود
برای یکی از طرفین عقد پیش بیاید (مسئولیت عقدی)
و یا اینکه مستقیماً ناشی از قانون باشد (مسئولیت قانونی)
و یا اینکه در نتیجه عمل شخص که متضمن تقصیر کاری
او میباشد تولید گردد.

(مسئولیت خطائی) از این سه قسم مسئولیت دو قسم
اخیر آن مورد بررسی ما میباشد.

مسئولیت جزائی

(زهره و شبهه زهره)

قانون مدنی فرانسه در مواد ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۶ اصول
مسئولیت مدنی ناشی از خطا و تقصیر کاری را نهاده است
و رویه قضائی بعداً روی این اصول عمل کرده و نتایج
واستنباطات زیادی از این چند ماده قانون نموده که مطالعه
آنها بی نهایت نافع و جالب توجه است.

اصل لزوم تقصیر

ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه يك اصل کلی وضع

گرفتن عمل و موضوع باید تشخیص داد به علاوه در موضوع معین نیز در زمانهای مختلف فکر لزوم تقصیر یا عدم آن تغییر میکند یعنی چون عقاید و افکار محیط اجتماعی تغییر مینماید بالتبقیجه افکار راجع به تقصیر نیز تغییر می کند.

در هر حال يك نکته را باید در نظر داشت کلمه تقصیر حاکی است از اینکه شخصی که مرتکب آن شده در موقع ارتکاب دارای اراده و هوش برای تشخیص خوب و بد بوده تقصیر را از مسئولیت معنوی و ارادی نمیتوان جدا ساخت بهمین دلیل اطفال و دیوانگان در ارتکاب بزه هایی تقصیر شناخته شده اند و بدین جهت است که مسئولیت خطائی را مسئولیت معنوی نیز نامیده اند در مورد تقصیر « مثل کلیه موارد که ثبوت ادعای عهده خواهان میباشد » هر کس ادعا کرد که دیگری بعلت تقصیر خود بر او خسارتی وارد ساخته باید دلایل خود را نیز اقامه نماید بنابر این مطابق مواد قانون مدنی فرانسه تقصیر پایه و مبنای تولید مسئولیت است اگر مواد ۱۳۸۴ و ۱۳۸۶ ذکر از تقصیر ننموده اند نه برای اینست که تقصیر را لازم ندانسته اند بلکه قانونگذار در موارد مذکور در اینموارد تقصیر را پیشاپیش محرز و ثابت دانسته بطوریکه دیگر احتیاج به ثبوت آن نمی باشد.

اصل خطر یا مسئولیت نوعی

THEORIE DE RISQUE

بعضی از دانشمندان قرن اخیر تقصیر را برای ایجاد مسئولیت لازم نمیدانند مطابق عقیده آنها هر کس بوسیله فعالیت خود ضرری بدیگری وارد سازد مجبور است آنرا جبران نماید مطابق این اصل وجود تقصیر از ناحیه عامل خسارت لازم نیست صرف فعلی که شخصی در انجام کار و شغلی ابراز مینماید در صورتیکه باعث ضرر دیگران شود عامل را ناچار بجبران آن میکنند علت پیدایش این اصل - توسعه صنایع کارخانه

در قرن نوزدهم در کشور فرانسه باعث تزئید حوادثی میشد که در نتیجه آن عده از کارگرها صدمات بدنی دیده و یا بنقص عضوی دچار میشدند و غالباً معلوم نمیشد علت حادثه نقص ماشین های کارخانه بوده و یا علل مختلف دیگر و بفرض اینکه علت حادثه نقص ماشین باشد تشخیص اینکه مسئول صاحب کارخانه است یا سازنده ماشین غیر ممکن بود عده زیادی از آسیب دیدگان دچار بیماری های دائمی شده و در نتیجه نمی توانستند کار کنند خود و خانواده شان دچار فقر و فلاکت میشدند و روز بروز بر تعداد آنان نیز افزوده میگردد دید این اشخاص مطابق ماده ۱۳۸۲ ناچار بودند اقامه دعوی کرده و تقصیر صاحب کارخانه را بشبوت برسانند و در عمل ثبوت این تقصیر تقریباً محال بود برای حل این مشکل دانشمندان حقوقی تفسیرات جدیدی از مواد قانونی نموده و شالوده اصل خطر را ریخته اند بدن طریق هر فعلی که يك خطراتی در بردارد چه برای خود شخص چه برای سایرین - عدالت اقتضاء میکند که هر کس بواسطه عمل و فعالیت خود خسارتی بدیگری وارد سازد آنرا جبران کند زیرا همانطور که منافی در نتیجه این فعالیت عاید او میشود خسارات آنرا نیز باید تحمل کند (من له الفهم فعلیه الغرم) تحمل نتایج و خسارات وارده بسایرین جزء مخاطره های طبیعی و لازم کار و فعالیت او میباشد اثرات این اصل در بعضی قوانین قرن نوزدهم و بیستم نیز محسوس است چنانچه در قوانین راجع بحوادث کار این اصل ظاهراً برقرار شده بدون اینکه ثبوت تقصیر لازم باشد قانون کار فرما را مسئول جبران خسارات وارده دانسته است

انتقاد این اصل

داد رسان بطور کلی باین اصل تسلیم نشده و از اصل لزوم تقصیر که در مواد قانون مدنی تخصیص یافته پیروی میکنند و در مورد قوانین راجع بحوادث کار پایه فکر شان بر اینست که قانونگذار نخواسته تقصیر را در

قابل ترحم میباشد عاملی که هیچ تقصیری در حادثه و اتفاقی نداشته نیز قابل ترحم است زیرا جبران خساراتی باو تحمیل میشود که نه پیش بینی نموده و نه تقصیری در وقوع آنها داشته است دیگر اینکه اگر فعالیت را پایه مسئولیت بگیریم خود آسیب دیده نیز ابراز فعالیتی نمیکرده یعنی کاری انجام میداده که در نتیجه آن کار آسیب باو وارد آمده بنا براین خود او نیز مسئول است دلیلی ندارد که اصل قدیمی را که میگوید هر کس بعلمت اتفاقات و حوادثی صدمه ببیند تا تقصیر شخص دیگری در وقوع حادثه ثابت نشده ناچار به تحمل آن میباشد کنار گذاشته و اشخاص بی تقصیر را مسئول جبران خسارات وارده بسایرین بدانیم علاوه بر منطقی نبودن این اصل عیب بزرگی دارد بحسب ابتکار و فعالیت اقتصادی صاحبان بنگاههای صنعتی لطمه وارد میآورد

۳ - اصل خطر يك عیب بزرگی دارد و آن مخالفت با اخلاق میباشد مسئولیت مطابق اصول اخلاقی بر کسی وارد است که تخلف و تقصیر اهما و یا غفلتی از او سر زده باشد در صورتیکه بجای اصل مسئولیت معنوی اصل خطر یا مسئولیت نوعی را قبول کنیم نتیجه این خواهد شد که بدون ارتکاب تقصیر اشخاصی مسئول قرار گیرند لذا تقصیر و عدم آن در نظر مردم علی السویه بوده و دیگر کوشش در احتراز از تقصیر کاری نخواهند کرد و این طرز فکر از محیط فعالیت اقتصادی اشخاص بسایر اعمال آنها نیز سرایت کرده و احساسات اخلاقی لطمه خواهند دید

دکتر امین فر

اینموارد از بین ببرد بلکه در اینموارد تقصیر را محرز دانسته و از آنرو ثبوت آنرا دیگر لازم نشمرده است با وجود صراحت ماده ۱۳۸۲ چگونه میتوان گفت که تقصیر برای ایجاد مسئولیت لازم نیست عقاید دانشمندان حقوقی فرانسه بطور کلی طرفدار اصل لزوم تقصیر می باشد علاوه بر اینها اصل خطرداری معایب زیر نیز میباشد (مطابق عقیده مخالفین این اصل)

۱ - اگر اصل خطر را يك نوع تخصیص اصل علیت بشناسیم بدینطریق که هر کس صدمه بدیگری وارد کرد چون باعث و علت صدمه او بوده باید آنرا جبران سازد خلاف مقصود میشود زیرا با اصل لزوم تقصیر برای تسکین حس عدالت سعی نموده اند عمل شخص را تجزیه کرده و عاقل معنوی و ارادی را در آن بیابند و صرف علت واقع شدن اتفاقی را مناط مسئولیت ندانسته اند اصل علیت يك اصل طبیعی است که در زندگی اجتماعی و حقوقی نمیتوان آنرا معمول داشت

۲ - طرفداران اصل خطر میگویند این اصل بیشتر از اصل لزوم تقصیر با عدالت و انصاف موافقت دارد زیرا این اصل صدماتی را که با آسیب دیده وارد آمده تخفیف داده و بطور قطع خسارات او را جبران میسازد بدینطریق تسلیتی برای آسیب دیده حاصل می شود در صورتیکه با اصل لزوم تقصیر و اشکال ثبوت آن ممکن است خسارت وارده با آسیب دیده جبران نشود صحیح است که اصل خطر در مواردی بهتر با انصاف و عدالت تطبیق میکند ولی این اصل را نمیتوان بتمام فعالیت های انسان تعمیم داد بعلاوه اگر آسیب دیده

تأثیر زمان و مکان در قوانین و حقوق

و تکامل امر قانونگذاری سیر و سیری گردیده قوانین فردی و اجتماعی که همواره بسوی ترقی و کمال میل

از موقعی که بشر لزوم قانون را برای تأمین بقای سعادت خود احساس نمود تا امروز که دوره های تکمیل